



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۶ دی ۸۹

مصادف با: ۲۱ محرم الحرام ۱۴۳۱

جلسه: ۴۴

موضوع کلی: مسئله اول

موضوع جزئی: بررسی ادله عدم جواز احتیاط

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

جواز احتیاط در عبادات:

بحث در جواز احتیاط در عبادات و معاملات بود. عرض کردیم که احتیاط در معاملات بالمعنی الأعم و بالمعنی الأخص جایز است و اشکالی را که در رابطه با جواز احتیاط در معاملات بالمعنی الأخص یعنی عقود و ایقاعات بود بیان کردیم. اما در مورد عبادات، عمده بحث ما در مسئله اولی ناظر به همین مورد میباشد یعنی نسبت به اموری که در آنها قصد قربت و امتثال معتبر است.

بطور کلی در عبادات بحسب فرض ما چهار صورت میتوانیم تصویر بکنیم چون احتیاط در عبادات تارةً مع التمكن من الإمتثال التفصیلی میباشد و اخری مع عدم التمكن من الإمتثال التفصیلی میباشد یعنی اینکه گاهی راه امتثال تفصیلی برای ما بسته است یعنی ما نه میتوانیم اجتهاد کنیم و حکم را بدست بیاوریم و نه میتوانیم تقلید کنیم. یا در یک موضوعی هست که راه علم تفصیلی برای ما بسته است. مثل اینکه ما در جایی گیر کرده‌ایم و نمیدانیم که قبله کدام طرف میباشد و کسی هم نیست و یا نشانه نیست که تفصیلاً جهت قبله را بدست بیاوریم. پس عدم تمکن از امتثال تفصیلی یا به جهت این است که در محدوده احکام نه راه اجتهاد و نه تقلید داریم و یا در باب موضوعات راه اثبات موضوع برای ما بسته است. اما گاهی از اوقات ما متمکن از امتثال تفصیلی هستیم یعنی با اینکه میتوانیم اجتهاد کنیم و یا تقلیداً حکم مسئله‌های را بدست آوریم این دو راه را ترک میکنیم و رو به احتیاط می‌آوریم و یا در موضوعات مثل مثال قبله میتوانیم از کسی پرسیم و تفصیلاً بدست بیاوریم اما این راه را ترک میکنیم و احتیاط پیشه میکنیم. پس در ابتدای امر احتیاط تارةً در صورتی است که تمکن از امتثال تفصیلی نیست و گاهی در فرضی است که تمکن از امتثال تفصیلی هست.

از طرف دیگر گاهی احتیاط در عبادت مستلزم تکرار در عمل نیست که قبلاً به این اشاره کرده‌ایم، مثل دوران بین اقل و اکثر مانند اینکه شک داریم که سوره به عنوان جزء دهم در نماز مدخلیت دارد یا نه یعنی در حقیقت شک داریم که نماز نه جزئی بر ما واجب است یا نماز ده جزئی؟ در اینجا احتیاط مستلزم تکرار عمل نیست، احتیاط به اتیان به اکثر تحقق پیدا میکند یعنی خواندن نماز ده جزئی و نماز با سوره یعنی عملی که در داخل آن حتی جزء محتمل الجزئی هم اتیان میشود و گاهی از اوقات احتیاط مستلزم تکرار در عمل است مثل دوران بین قصر و اتمام که آیا نمازش را شکسته بخواند یا تمام بخواند؟ که در اینجا احتیاط به خواندن هر دو است.

ببینید که اگر ما این دو فرض اول را با دو فرض دوم با هم جمع کنیم مجموعاً چهار صورت در رابطه با عبادت پیدا میشود:

صورت اول: احتیاط در صورتی که تمکن از امتثال تفصیلی نیست و مستلزم تکرار عمل هم نباشد.

صورت دوم: احتیاط در موردی که تمکن از امتثال تفصیلی نیست و مستلزم تکرار عمل هست.

صورت سوم: احتیاط در صورتی که تمکن از امتثال تفصیلی هست و مستلزم تکرار نیست.

صورت چهارم: احتیاط در جایی که تمکن از امتثال تفصیلی هست و مستلزم تکرار عمل هم هست.

حکم صورت اول:

در بین این چهار صورت شاید بتوان گفت که صورت اول روشن است یعنی جایی که شخص تمکن از امتثال تفصیلی ندارد و عملش هم مستلزم تکرار عمل نیست در اینجا در واقع بدون مشکل حکم به جواز احتیاط میشود. کسی که احتمال مدخلیت یک جزء یا یک شرطی را در مأموریه میدهد و فرض هم این است که تمکن از امتثال تفصیلی ندارد و نه میتواند اجتهاد کند و نه تقلید کند. در اینجا احتیاط به این است که عمل را به همراه آن جزء مشکوک اتیان کند و تکرار هم لازم نیست در اینجا ظاهر این است که ادلهای که برای منع احتیاط اقامه شده شامل این صورت نمیشود و احتیاط در این مورد جایز است. لذا این صورت را ما از سایر صور جدا کرده‌ایم؛ چون مشکلی ندارد و بخاطر نبود مخالفی تقریباً در این مورد، همین اول آن را از دایرهی بحث خارج میکنیم و فقط دو جهت که میتواند مانع آن باشد را ذکر میکنیم و بعد سراغ بقیه صور خواهیم رفت.

دلیل اول منع از احتیاط در صورت اول:

وجه اولی که برای منع احتیاط در اینجا میتوان ارائه کرد، مسئلهی تشریح یا بدعت است. یعنی این شخصی که احتمال جزئیت یک جزء مشکوک میدهد یا احتمال مدخلیت یک چیزی را به عنوان شرط در این عبادت میدهد، با اتیان به اکثر و با احتیاط مرتکب تشریح و بدعت شده است. برای اینکه از کجا معلوم که سوره و یا فلان چیز شرط واجب باشد؟ چون نمیداند که آیا این جزء است یا نیست؟ وقتی یقین ندارد و نمیداند عملش شامل این جزء مشکوک و شرط میشود یعنی در واقع چیزی را که داخل در دین نیست داخل در دین کرده است، پس احتیاط جایز نیست در این فرض چون تشریح و بدعت حرام است.

اشکال:

احتیاط باید معنی شود و باید تشریح و بدعت هم معنی شود. باید ببینیم که آیا واقعاً احتیاطی که در اینجا انجام میشود بدعت و تشریح حرام است؟ احتیاط در اینجا عبارت است از اتیان به چیزی که احتمال میدهد جزء عمل باشد مانند نماز با سوره که احتمال میدهد این سوره جزء نماز باشد لکن اگر به این جزء دهم یعنی سوره در ضمن این عبادت اتیان میکند به امید و رجاء احراز واقع میباشد و این کار را میکند چون احتمال میدهد که این جزء دین است و این میخواهد آن چیزی که مطلوب واقعی شارع میباشد انجام دهد.

اما بدعت و تشریح یعنی اینکه داخل کردن چیزی را که میداند داخل دین نیست در دین؛ یعنی کسی میداند که چیزی داخل در دین نیست ولی آن را داخل در دین میکند. اگر دایره را وسیعتر بگیریم بدعت و تشریح یعنی چیزی را که نمیداند جزء دین است این را به عنوان اینکه جزء دین هست داخل دین بکند. پس تشریح و بدعت دو مصداق پیدا میکند اول اینکه میداند که

این چیز جزء دین نیست اما در عین حال آن را داخل در دین میکند و دوم با اینکه نمیداند که جزء دین هست یا نیست این را به عنوان اینکه من الدین است داخل در دین میکند.

اما در احتیاط هیچکدام از این دو تحقق ندارد چون در احتیاط نمیداند که این جزء دین هست یا نیست و در این جهت با آن فرد دوم نزدیک است اما اگر احتیاط میکند و این جزء دهم را اتیان میکند برای این است که واقع مطلوب شارع را اتیان کند و نمیآید بگوید که این جزء دهم در دین داخل است، میگوید که من چون احتمال میدهم که داخل باشد این را انجام میدهم که نکند یک وقت واقع از من فوت شود و ربطی به بدعت و تشریح ندارد. لذا این وجه اول مشکلی برای احتیاط در صورت اول درست نمیکند.

دلیل دوم منع از احتیاط در صورت اول:

اخلال به قصد وجه میباشد. یعنی میگویند که احتیاط موجب از بین رفتن یک رکن لازم در عبادت است، در عبادت قصد وجه معتبر است و قصد وجه یعنی اینکه وجه این عمل من الوجوب و الإستحباب معلوم شود که آیا این عمل را بما آنه واجب انجام دهم یا بما آنه مستحب؟

من قصد وجوب یا استحباب عمل را باید بکنم و کسی که احتیاط میکند این قصد را نمیتواند بکند چون کسی که شک دارد نماز نه جزئی بر او واجب است یا نماز ده جزئی و امرش دائر است بین اقل و اکثر و میآید نماز ده جزئی میخواند آیا مطمئن است که این نماز ده جزئی واجب است که قصد وجوب این نماز را بکند؟ چون احتمال دارد که نماز نه جزئی واجب باشد. لذا وقتی که اتیان به اکثر میکند نمیتواند قصد وجه داشته باشد و احتیاط مساوی با نداشتن قصد وجه میباشد و از آنجایی که قصد وجه در نماز و عبادات معتبر است نتیجه این میشود که احتیاط موجب اخلال به قصد وجه است لذا احتیاط جایز نیست.

اشکال:

پاسخ دلیل دوم منع احتیاط را احاله میدهیم به بررسی صورتهای بعدی و در آنجا مفصلاً بحث خواهیم کرد. ولی اجمالاً باید بگوییم که اساساً قصد وجه در عبادات معتبر نیست و اگر هم باشد مشکلی ایجاد نمیکند چون قصد وجه نسبت به مجموع عمل لازم است نه تک تک اجزاء.

نتیجه: اینکه جواز احتیاط در صورت اول تقریباً یک امر روشنی است و تنها اموری که میتواند به عنوان مانع ذکر شود همین دو امر است که ما این دو امر را رد کردیم.

حکم صور ثلاثه:

اما در مورد احتیاط در سه صورت دیگر که شاید صورت چهارم در بین این صور بیشترین اشکالات در آن باشد و عمدترین صورت، صورت چهارم میباشد، تقریباً بحثهای این مسئله حول این صور است.

اما در عین حال مجموع این سه صورت را جمع میکنیم چون ادلهای که برای منع احتیاط ذکر شده تقریباً و به نحو اجمال مشترک است. لذا این سه صورت را یکجا میکنیم و ادله هشت گانه‌ای که برای منع ذکر شده را بررسی میکنیم و آنجایی که

دلیل اختصاص به صورت خاصی داشته باشد اشاره خواهیم کرد. پس اساس بحث ما در اینجا بررسی ادله منع از احتیاط و مناقشاتی که در این صورت است میباشد.

ادله عدم جواز احتیاط:

دلیل اول:

دلیل اول اجماع منقول و شهرت است، مرحوم شیخ در رساله اجتهاد و تقلید به مشهور نسبت داده که عبادت کسی که ترک اجتهاد و تقلید بکند باطل است مطلقاً و به احتیاط نمیشود اکتفا کرد چه مستلزم تکرار باشد و چه نباشد.^۱ ایشان در جای دیگری ادعای اتفاق میکنند بر اینکه احتیاط جایز نیست در صورتی که مستلزم تکرار باشد. ببینید در این خصوص ادعای اتفاق کرده، اما در آنجا ادعای شهرت کرده بود.^۲ مرحوم سید رضی هم ادعای اجماع کرده که کسی که احکام نماز را نمیداند و بواسطه احتیاط نمازش را تکرار میکند، این نماز باطل است. سید مرتضی هم حرف برادرش سید رضی را تقریر و تأیید کرده است.^۳ پس ببینید بعضی ادعای شهرت کرده‌اند و بعضی ادعای اجماع.

اشکال:

اشکالاتی به این دلیل وارد است:

اولاً: این شهرتی که در اینجا ادعا شده ولو مرحوم شیخ هم ادعا کرده‌اند این محل مناقشه است چون بسیاری از فقها متعرض این مطلب نشده‌اند. در جایی که بسیاری از فقها متعرض این مطلب نشده‌اند و در بین کسانی هم که متعرض شده‌اند یک جمع قابل توجهی حکم به بطلان نکرده‌اند آن وقت چطور میشود گفت اجماع و شهرت بر عدم جواز احتیاط است؟

ثانیاً: کسانی هم که ادعای اجماع کرده‌اند از جمله شیخ این اجماع آنها منقول است و اجماع منقول اعتبار ندارد و بر فرض هم که ما اعتبار اجماع منقول را بپذیریم مشکل این است که مخالفان زیادی در مسئله وجود دارد و اصلاً بعضی متعرض این مسئله نشده‌اند.

ثالثاً: اجماعی را که سید رضی ادعا کرده بر فرض که ادعای او را بپذیریم چون آن هم اجماع منقول است اساساً معقد این اجماع به ما ارتباط ندارد چون آن اجماع مربوط به جایی است که احکام نماز را نمیداند و مطلع هم نیست که نماز دارای چه خصوصیتی است اما اگر کسی مسایل نماز را ندانست اما نماز را به انحای مختلف بجا بیاورد تا یقین کند که امتثال محقق شده، اجماع شامل این مورد قطعاً نمیشود.

۱. مجموعه رسائل شیخ، ص ۴۸.

۲. رسائل، ج ۱، ص ۷۱.

۳. رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۳۸۳.

پس نه شهرت که شیخ ادعا کرد و نه اجماع منقول که ایشان و برخی دیگر ادعا کرده‌اند مانند شیخ و ابن ادریس و برخی دیگر، اینها هم اعتبار ندارد و اجماع سید رضی هم اعتبار ندارد. لذا دلیل اول قابل قبول نیست.

این دلیل بین سه صورت مشترک است هر چند ممکن است که کسی بگوید دلیل اول نسبت به صورت اول هم وجود دارد. اما با مطالبی که از شیخ و سید رضی نقل کردیم معلوم میشود که صورت اول از این صور را شامل نمیشود.

دلیل دوم:

دلیل دوم اخلال به قصد وجه و تمییز میباشد.

سؤال: چرا در اینجا علاوه بر قصد وجه، قصد تمییز نیز ذکر شد؟

جواب: چون نسبت به بعضی از صور تمییز لازم است و در جاهایی که عمل تکرار میشود علاوه بر وجه تمییز هم لازم است. اخلال به قصد وجه و تمییز در صورت دوم و چهارم پیش می‌آید اما در صورت سوم نه زیرا که عمل مکرر نیست و در جایی است که حداقل تکرار عمل باشد.

توضیح دلیل: این است که قصد وجه و تمییز در عبادت معتبر است و چنانچه احتیاط صورت بگیرد باعث اخلال در قصد وجه

و تمییز میشود چون وقتی که احتیاط میکند خصوصاً در جایی که عمل را احتیاط میکند این در واقع به قصد وجه اخلال وارد میشود و نمیداند که این نماز اولی را به قصد وجوب بخواند یا دومی را، قصد تمییز هم نمیتواند بکند. پس نه قصد وجه دارد و نه قصد تمییز و احتیاط به هر دو قصد اخلال وارد میکند که هر دو در نماز و عبادات معتبر است.

بحث جلسه آینده: در اینجا یک بیانی هست که دلیل بر اعتبار قصد و تمییز چیست؟ که توضیح آن را ان شاء الله بیان خواهیم کرد و بعد وارد اشکالات این دلیل خواهیم شد.

«والحمد لله رب العالمین»